



روایت یک هم بستگی زیر خیمه آل طاها

چای خانه آل طاها در اجتماع شبانه طبرسی شمالی، بیش از ۴ ماه است که روی انگشت جوان ها و نوجوان ها می چرخد



داستان جلد

سکینه تاجی چند متری مانده به مقصد، حتی در همه جمعیتهای که پرچم به دست در رفت و آمدند، باز هم می توان صدای به هم خوردن استکان ها و سینی ها را شنید. نزدیک تر که می شوم، نوای نوحه موکب و سرخی کتیبه های محرمی چشم و گوشم را نوازش می کنند. نوجوانی یک سینی استکان را گذاشته است روی پیشخوان و دیگری با کتری یکی یکی پرشان می کند و نوجوان دیگری هم با سرعت استکان های نشسته را جمع می کند و می برد. اینجا خیمه عزای آل طاها، تقاطع طبرسی شمالی ۴ و میدان فجر است؛ جایی که دقیقاً چهار ماه است هیچ شبی، اجاق کتری و آتش سماورهای خاموش نشده است. از شب های سرد آخرین روزهای زمستان و چای وقت افطار گرفته، تا این روز و شب های تابستانی که کام خشک مردم عزادار را به آب و چای و شربت ترمی کنند.



«یار!»
پاتوق شاد
بچه های
هیئتی

چایم را جرعه جرعه سرمی کشم و چشم می چرخانم میان مردم؛ فارغ از سن و سال و ظاهر، کنار هم ایستاده اند. بعضی برای نوشیدن یک استکان چای آمده اند، بعضی برای کمک و بعضی فقط برای آنکه قطره ای در اقیانوس بعثت مردم باشند. استکان را می گذارم و با تشکر و اجازه می روم داخل آبدارخانه ای که بیشتر اداره کنندگان آن پسران نوجوان هستند. دیدنی است. کارها تقسیم شده است و مثل ساعت هر کدام مشغول کاری اند. نوجوان هایی که تا چند ماه پیش، تنهاره گذر این خیابان بودند، حالا وسط ماجرا ایستاده اند و یک گوشه کار را گرفته اند روی شانه هایشان.

در همه سال هایی که کانون یار و بعد ها موکب آل طاها، کار خود را آغاز کرد، ما همه دهه شصتی و هفتادی های پای کار بودیم؛ حالا ما این نوجوان ها در این شرایط، خود به خود شده اند اصل کاری و همه کارها را دست گرفته اند. این ها را سعید زراعتکار می گوید، کسی که حدود ۱۰ سال دست اندر کار فعالیت های کانون یار و بعد از آن، ایده پرداز برنامه های جشن و شادی در موکب آل طاها بوده است. کانون یار یک کانون فرهنگی مذهبی است که محل استقرار آن، مهدیه ای در طبرسی شمالی است که به شهید علیرضا بابایی تعلق دارد و مادر این شهید آن را وقف کرده است. از فعالیت های این کانون می توان به برگزاری دعای ندبه در صبح های جمعه و جلسه هفتگی قرآن و ویژه نوجوانان با تدریس استاد علی غلامی اشاره کرد.

زراعتکار دلیل برپایی موکب این کانون را شرح می دهد: «ایده برپایی موکب آل طاها از آنجا آمد که در واکنش به تبلیغات سمی فضای مجازی درباره اقبال مذهبی و بچه هیئتی ها، تصمیم گرفتیم به جای فعالیت در ایام عزاداری، که شکر خدا افراد بسیاری پای کار آن هستند، برنامه های جذاب و باشکوهی را در اعیاد مختلف اجرا کنیم. خواستیم کاری کنیم که بچه مذهبی ها را فقط با اشک و عزای نشناختن و این طور شد که در چهار مناسبت عید غدیر، نیمه شعبان، میلاد امام رضا (ع) و سیزدهم ربیع، موکب های بزرگ دویا سه روزه برگزار می شود و در سایر اعیاد و جشن های ولادت اهل بیت (ع) نیز در مقیاس کوچک تر، حتماً موکبی برای جشن و شادی راه می اندازیم.»

این فعال فرهنگی درباره تأمین هزینه ها نیز توضیحاتی ارائه می کند: «اینکه هر یک از اعضای کانون یار، با هر شغلی که دارند، سالانه بخشی از درآمد خود را برای فعالیت های موکب کنار می گذارند. به گفته سعید آقا، فعالیت این چای خانه به همت مردم ادامه یافته است؛ «در روزهایی که تجمعات مردمی آغاز شد، عملاً هیچ امکاناتی در محل وجود نداشت. در نخستین روزها آب جوش را بانیا سان به محل می آوردند، سماورها را به سختی راه می انداختند و حتی آب مورد نیاز را با تانکر تأمین می کردند. به مرور امکانات بیشتری فراهم شد و مردم هم پای کار آمدند تا چای خانه به وسعت امروزش درآمد.»

یکی از ابتکارهای جالب این موکب که با استقبال شهروندان هم روبه رو شد، حذف لیوان های یک بار مصرف پلاستیکی بود. در روزهایی که حملات به زیرساخت ها، تولید برخی محصولات پتروشیمی



مردم
همیشه
پای کار

را با چالش مواجه کرده و قیمت ظروف پلاستیکی نیز چند برابر شده بود. اعضای موکب تصمیم گرفتند سهم خود را در صرفه جویی ایفا کنند. زراعتکار می گوید: هر شب حدود ۵ تا ۶ هزار استکان چای بین مردم توزیع می کردیم و خرید لیوان های یک بار مصرف هزینه زیادی به موکب تحمیل می کرد. با خود مان گفتیم ما هم به اندازه توانمان در مصرف پلاستیک صرفه جویی کنیم. برای همین استفاده از لیوان های پلاستیکی را کنار گذاشتیم و از مردم خواستیم اگر استکان یا لیوان شیشه ای اضافه دارند، به موکب اهدا کنند. نتیجه این درخواست، فراتر از انتظار بود. از شب بعد، مردم یکی پس از دیگری استکان های شیشه ای خود را به موکب آوردند؛ تا جایی که تاکنون بیش از هزار استکان به این مجموعه اهدا شده است. حال سینی های چای موکب، پر از استکان هایی است که هیچ کدام شبیه هم نیستند؛ اما همین تفاوت، روایتگر مشارکت مردم در یک کار جمعی است. این تصمیم، علاوه بر کاهش هزینه های خرید ظروف یک بار مصرف، به کاهش تولید زباله و مصرف پلاستیک نیز کمک کرده و به یکی از ویژگی های متفاوت این موکب تبدیل شده است.

